

توبی نهایت مدیون «نه» هایت هستی!



دنیا خمایی؛ در سیاهه بلندبالایی از بازیگرانی که زود شروع می‌شوند و زود به پایان می‌رسند، سخت است پیدا کردن کسانی که قواعد «ماندن» را بلداند. هر چند که بازیگری یک هنر است اما این هنر، «جنگیدن» را هم در خود دارد. تجربه یک زیست محدود در لباس یک شخصیت دیگر برای هنرمندی که بتواند در آن نقش طوری بدمد که آن نقش خاموش نشود و نمیرد کار کمی نیست و وقتی حیات از روند تلاش و کارنامه یک بازیگر گرفته نشود، او می‌ماند.

در سینمای ایران این مانایی نصیب هر کسی نمی‌شود و امین حیایی در نسل خود دارای این شاخصه است. او اشتباهاتی دارد که از آن‌ها فرار نمی‌کند و برخلاف خیلی از همکارانش سینه سپر نمی‌کند و از آن‌ها بیپرده دفاع نمی‌کند. او با یک درنگ بموقع دست به یک آسیب‌شناسی در مورد خود زد و درست مثل یک پزشک اقدام به معالجه کرد. بازیگری که دیگر همه او را به چشم یک کم‌دین با بروی دوست‌داشتنی می‌شناختیم، فهمید که در آن نسل سخت‌گیر و با آن همه مشقت بازیگر نشده که تنها دستمزدهای خوب برای فیلم‌های تجاری بگیرد و برود آن درنگ ویژه‌تر بعد از تصمیم اشتباه حیایی برای بازی در فیلم سینمایی سیاسی «فلاده‌های طلا» برای او حیاتی‌تر شد. امین حیایی بعد از بازی در آن فیلم در سال ۹۰ دچار یک سرخوردگی شد که نتیجه شرایط سیاسی و تضادهای فکری پیش‌آمده بین طرفدارانش و مخاطبان جدی سینما بود؛ هر چند که بعد از آن با بازی در فیلم «خانم» از تینا پاکروان دوباره سعی کرد خودش را در نگاه مخاطب احیا کند، اما شرایط دوقطبی فکری که در سینما هم تاثیر خودش را گذاشته بود، اجازه نداد امین حیایی دوباره آن محبوبیت زیاد را به دست بیاورد. به‌ر حال زمان تاثیر خودش را گذاشت و حیایی بارد کردن آن سال‌ها و حضور در چند فیلم کم‌دیدی گیشه دیگر و فاصله‌ای که بین خودش و سینمای جدی به وجود آورد، کمی از تنش‌های پیرامونش کاست و دوباره نشان داد که نه هنرمند سیاسی است و نه علاقه به برچسب‌های سیاسی و جناحی دارد.

شاید به ضرس قاطع بتوان گفت که حمید نعمت‌الله ناجی او برای رجعت دوباره به نقش‌های غیر کم‌دیدی و سخت‌شد که در ابتدای جوانی‌اش آن‌ها را تجربه کرده بود. حضور او در «شعله‌ور» برای نعمت‌الله ریسک بود؛ آن هم در مقطعی که بازیگران تکراری همه نقش اصلی‌های سینما را در دست گرفته بودند. به دوش کشیدن بار داستان و روایت محدود «شعله‌ور» در بازه زمانی طولانی قریب به دو ساعت، چالشی بود که به یقین حیایی برای محک‌زدن خود آن را پذیرفت و از پس آن هم برآمد. بعد از «شعله‌ور» هم این روند در فعالیت امین حیایی متوقف نشد و او با دقت بیشتری دست به انتخاب زد. ایفای نقش در فیلم «دارکوب»، اثر بهروز شعبانی در ادامه همان مسیر و حتی تجربه همکاری با عبدالرضا کاهانی به‌عنوان فیلمساز نماینده سینمای مستقل صاحب‌سبک، با همان ایدئولوژی پیش‌رفت، تغییر رویه امین حیایی و حتی پذیرفتن دآوری «عصر جدید» هم نشان‌دهنده کنده‌شدن او از شمایل مرد همیشه کم‌دین و متعلق به سینمای بدنه بود و درک درست از توانایی‌هایی که به وفور آن را در ابتدای راه و کارنامه‌اش نشان داده بود.

حیایی متعلق به نسلی است که میل به بقای آن‌ها در عرصه هنر فراتر از بازیگری و صرفاً آمار بالای طرفدارانشان بود؛ نسلی که هم به‌صورت آکادمیک فعالیت هنری را دنبال کردند و هم خود را به‌طور مداوم در معرض دید مخاطب قرار ندادند. نکته‌ای که خود حیایی هم در گفت‌وگویی به آن اشاره کرد، این بود که در دوران اخیر حاضر شده بود دستمزدهای خیلی کمتری دریافت کند، اما نقش‌هایی را که دوست دارد و برایشان دغدغه دارد، ایفا کند. این میزان دغدغه‌مندی و تعصب روی بازیگری چیزی نیست که بتوانیم به وفور در بازیگران نسل‌های بعد از امین حیایی آن را ببینیم. حیایی برخلاف تصمیم برخی از بازیگران، روحیه صفر و صدی مردم را در اولویت قرار می‌دهد و حتی در همین میان با حضور در «چشم و گوش بسته» می‌خواهد اثبات کند که قصد قطع ارتباط با سینمای کم‌دیدی و پرفروش را ندارد اما می‌خواهد نیمه آرتیستیک خود را نیز به نمایش بگذارد و به مخاطبان جدی‌اش یادآوری کند که همه‌فن‌حریف است. این نکته در زندگی غیر کاری او نیز در جریان است؛ تا جایی که به‌صورت کاملاً حرفه‌ای ورزش می‌کند و کماکان به ظاهر و پوشش خود به عنوان یک بازیگر اهمیت می‌دهد. او به معنی درست کلمه یک ستاره است و برای اینکه تاریخ مصرف نداشته باشد، تلاش خود را می‌کند؛ حال اینکه بعضی جاها موفق است یا نه گاهی از عهده او خارج است و این امر به خیلی از عوامل دیگر بستگی دارد. اما در سینمایی که بیشتر بین مساله‌اش این است که در آن بازیگران فقط در لحظه حضور دارند و به آینده خود توجهی ندارند، بیشترین تکرار را در بازی دارند، دقیقاً آنجایی که باید «نه» بگویند «بله» می‌گویند و به اصول اخلاقی‌ای اهمیت نمی‌دهند؛ کسانی شبیه به امین حیایی کم در میان هنرمندان پیدا می‌شوند که با تمام قوا بجنگند، برای اینکه «تمام» نشوند!

مروری بر کارنامه

بازیگری امین حیایی به بهانه نقش آفرینی در فیلم «در خونگاه» و «چشم و گوش بسته»

هنرپیشه تجاری یا بازیگر هنری؟

محمد تقی زاده: امین حیایی یکی از

محبوب‌ترین هنرپیشه‌های ایرانی به‌شمار می‌رود که بیشتر به‌خاطر حضور در فیلم‌های تجاری و به اصطلاح بفروش در میان مخاطبان سینما شناخته می‌شود. در کارنامه سینمایی حیایی نزدیک به ۷۵ فیلم به چشم می‌خورد که بیشتر این نقش‌ها را در دهه ۸۰ ایفا کرده و به نوعی می‌توان اوج شهرت و محبوبیت وی را در دهه ۸۰ خورشیدی عنوان کرد. در این گزارش سعی شده با مروری بر کارنامه بازیگری حیایی در سینما، به بررسی اجمالی آثار وی در دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰ پرداخته شود.